

دورگامه

دانشگاه صنعتی شریف

۲ جنگ چهره زنانه ندارد

بررسی مشکلات زنان جانباز در دفتر انجمن اسلامی

۶ عیار اشیاء در انحصار مشخص نمی‌شود

گفت‌وگو با محمد ضرغام درباره سیاست‌های فرهنگی و دینی در ایران

این قصه برای نخواستن است

دختران خوابگاهی از
مشکلاتشان می‌گویند

نوار قلب مهمانان طرشت



سین فروزینی

خوابگاه برای همه تجربه متفاوتی است. خیلی وقت‌ها جدی جدی به شوخی می‌گویم که ما خوابگاهی‌ها عملاً یک‌بار زندگی مشترک را تجربه کرده‌ایم و از دانشجویهای غیر خوابگاهی به‌مراتب درک درست‌تری از ازدواج و زندگی مشترک داریم.

وارد خوابگاه که می‌شوی اگر خوش‌شانس باشی، یکی دو نفر آشنا از شهر و ولایت خودتان می‌شناسی که سال اول با همان‌ها هم‌اتاق شوی و اگر کسی را نشناسی، فرصت چندروزه اردوی مشهد برایت مثل بنگاه زوج‌یابی است. باید دوان دوان وارد گروه‌های مختلف دانشجویها شوی و ملاک‌های زندگی مشترک (!) را برایشان خلاصه‌وار بیان کنی. چقدر به نظافت و مرتب‌بودن اهمیت می‌دهید؟ آیا اهل پرسر و صدا حرف‌زدن هستید؟ آیا ترجیح می‌دهی هم‌اتاقی‌هایت مذهبی باشند؟ در نهایت کم‌وبیش گروه مناسب خود را پیدا می‌کنی. فقط با این تفاوت که به محض اینکه وارد خوابگاه بشوی و چند هفته بگذرد متوجه می‌شوی که زندگی‌ای که مد نظر داشتی با وضع فعلی، از زمین تا آسمان متفاوت است. بعد چند هفته در خوابگاه، اکثر در اتاق‌ها نظافت به‌گرددن فرد حساس‌تر می‌افتد و انبوه ظرف‌های کثیف و پلاستیک‌های آشغال باقی‌مانده در گوشه‌گوشه اتاق مشاهده می‌شود که می‌تواند هر پدر و مادری را نعره‌کشان در جهت مخالف فراری دهد. از زنگ‌گوشی‌ها که دم صبح هر پنج دقیقه یک‌بار به صدا در می‌آیند، از سوسک‌ها و ساس‌هایی که در همزیستی نه‌چندان مسالمت‌آمیز با دانشجویها به‌سرمی‌برند و مهم‌تر از همه، اینکه تقریباً هر دانشجوی خوابگاهی می‌تواند داستان‌های دنباله‌داری از کشمکش‌های ریز و درشت با هم‌اتاقی‌هایش تعریف کند؛ اختلاف‌هایی که نتیجه مواجهه فرهنگ‌ها و عادات متفاوت و ناسازگار نسلی است که اکثراً همه‌شان تخم چشم خانواده بوده‌اند و تا حالا کسی به‌شان نگفته بود بالای چشمتان ابروست. ماجراهایی که برای بعضی‌ها به معنی پایان زندگی مشترک خوابگاهی‌شان در ترم بعد است و برای بعضی‌های دیگر به معنی «بسوزیم و بسازیم». البته از چرک‌بستن در و دیوارها، کمد‌های یک‌نفره که باید دونفره استفاده شوند، کیک‌های رنگین رشد داده شده در دیگ‌های غذا و رژه ساس‌ها در بستر دانشجویان که بگذریم، خوابگاه لحظات ناب‌ی هم دارد. مثل سفره‌پهن کردن کف اتاق و رفتن به سوپرمارکت خوابگاه برای خرید ارزان‌ترین وعده غذایی ممکن برای کل اتاق و سپس تقسیم وظایف برای درست کردن نودل و املت. مثل وقت‌هایی که تا نیمه‌های شب به خنده و بحث و خاطره تعریف کردن می‌پرداختیم و از مرز خنده به گریه می‌افتادیم. مثل درد دل‌ها و عادت کردن به هم‌اتاقی‌ها و برداشتن اولین قدم برای تجربه زندگی (نیمه) مستقل. در نهایت، وقتی خوابگاهی بودن تمام می‌شود با نوعی خلأ در درونمان روبرو می‌شویم؛ آدم باورش نمی‌شود بعد از این وقتی به خانه برگردد، قرار نیست با صدای خنده و جیغ و داد بچه‌ها در اتاق روبرو شود و همین قدر ساده، یک‌هو دل آدم خیلی، خیلی تنگ می‌شود.

سرمقاله

شنبه

روحانی زیر ذره بین

انجمن اسلامی دانشجویان به مناسبت دومین سال پیروزی دولت دوازدهم در انتخابات اردیبهشت ۹۶ از عباس آخوندی دعوت کرده تا عملکرد و کارنامه دولت را بررسی کند. این برنامه از ساعت ۱۶:۳۰ در آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه آغاز می شود.

بزرگداشت روز جهانی زن در ریاضیات

جمعی از گروه های دانشجویی دانشکده ریاضی به مناسبت روز جهانی زن در ریاضیات گرمای داشتی را از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ در تالار ۵ برگزار می کنند. سخنرانان این برنامه دکتر شهشهانی، دکتر یاسمن فرزانه، دکتر الهام یآوری و دکتر امید نقشینه ارجمند هستند.

مسابقه بازیگری در شریف

کانون تئاتر یک مسابقه بازیگری بین شریفی ها برگزار کند تا افراد مستعد تحت حمایت این کانون به صحنه تئاتر برسند. اگر فکر می کنید خوب نقش بازی می کنید، از شنبه تا چهارشنبه می توانید به مقابل ساختمان سلف مراجعه کنید.

رمضان شریف

هر روز بعد از نماز ظهر و عصر برنامه جزءخوانی قرآن کریم درمسجد دانشگاه برگزار است. شب ها هم از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۲:۳۰ با تعداد می توانید از برنامه جزءخوانی و مناجات سحر با نوای حجت الاسلام قاسمیان استفاده کنید.

یکشنبه

شازده کوچولوهای جدید

پنجمین دوره انتخابات شورای مرکزی جامعه اسلامی شریف از یکشنبه تا سه شنبه در همکف ساختمان ابن سینا برگزار می گردد. از ساعت ۱۰ تا ۱۷ می توانید برای رأی دادن در این انتخابات شرکت کنید.

علم و معرفت

سلسله جلسات علم و معرفت با حضور

سخن مسئولین

رضا علیپور

دکتر فاطمی زاده گفته: «مشکلات بودجه ای تأمین هزینه رفاهی را با مشکل روبه رو کرده. برنامه ای برای تغییر غذای دانشجویان در دانشگاه شریف نداریم».

شاید بعضی ها به یاد نداشته باشند اما زمانی در خوابگاه وعده سحری لوبیاپلو بود. به صورت عادی سرو این غذا حتی به عنوان ناهار هم نقض حقوق بشری است چه برسد به اینکه روزه داران با این غذا روزه بگیرند. البته شاید این اقدام از قبل مهندسی شده بوده تا روزه داران ماکزیمم اجر و

غذای سلف، تهدید یا فرصت؟!

ثواب را کسب کنند. حالا که مشکل کسری بودجه به وجود آمده می توان این تهدید را با روش های کلاسیک به فرصت تبدیل کرد؛ مثلا از چمن های بدون استفاده! دانشگاه در قرمه سبزی استفاده کنیم و یا همین گربه های عظیم الجثه محوطه دانشگاه را وارد صنعت کنیم و از آنها در تهیه سوسیس و کالباس استفاده نماییم.

امیدوارم همان طور که برنامه ای برای تغییر غذا وجود ندارد، برنامه ای نیز برای افزایش قیمت وجود نداشته باشد چون ما هم توان و برنامه ای برای پرداختش نداریم.

بررسی مشکلات زنان جانباز در دفتر انجمن اسلامی

جنگ چهره زنانه ندارد



گزارش

نگین خسروانی نژاد

روی ویلچر می نشیند. خوش صحبت است و اعتماد به نفس دارد. وقتی هفت ساله بود، یک هواپیمای عراقی خانه اش را، عروسک هایش را، خواهرش را، برادرش را و توانایی حرکتش را از او گرفت. سی سال از جنگ گذشته است. این روزها نقاشی می کشد، شعر می گوید، سفر می کند و با مدرک دکترای کشاورزی در یک شرکت خصوصی کار می کند. دکتر نسیم چنگایی، شنبه هفته گذشته در اتاق انجمن اسلامی، مهمان دانشگاه ما بود.

«برای یک معلول نخاعی، راه نرفتن کمترین مشکل است. من با مشکلات کلیه و ریه، رژیم های سخت غذایی، اختلالات خواب و... مواجه هستم. بدن من دیگر به آنتی بیوتیک ها مقاوم شده و اگر باز هم عفونت بگیرم، آنتی بیوتیکی نیست که بدنم به آن جواب بدهد.» اینها مشکلات طبیعی و غیر قابل اجتناب هزاران جانباز است ولی نسیم چنگایی فکر می کند که بنیاد ایثارگران می تواند کاری کند که آنها رنج کمتری را متحمل شوند. او که سه ماه پیش مادرش را از دست داده است، می گوید: «الان پدر من کارهایم را انجام می دهد. چون پرستاری که استخدام کردم، هم دزد بود و هم باعث شد بدنم عفونت کند. چرا بنیاد نباید یک آسایشگاه داشته باشد که خانم های جانباز بتوانند از آن استفاده کنند؟ ما رها شده ایم. وسیله های بهداشتی پر مصرف، هزینه های بالایی رفت و آمد و داروهای گران خار جی که بیمه تقبل نمی کند بر عهده خودمان است. حق پرستاری که به ما داده می شود نیز اصلا کافی نیست.»

چنگایی اعتقاد دارد مشکلات برای خانم های جانباز، بسیار

بیشتر از آقایان است: «من تحصیل کرده هستم و سال ها در دانشگاه تدریس کرده ام ولی بیشتر خانم های جانباز بر خلاف من خجالت می کشند در جامعه حضور داشته باشند. زنان جانباز احساس بی کسی می کنند چون پدر و مادر اکثرشان فوت کرده اند. هیچ کسی به جز هم دردهای مانی تواند درکمان کند.» مهدی ایزدی، معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران به نمایندگی از بنیاد در این جلسه حضور داشت. او در پاسخ به مشکلاتی که نسیم چنگایی مطرح کرده بود، گفت: «وقتی یک فرد سالم دچار سانحه می شود، اولین نیاز او درمان اورژانسی است: اینکه حیات فرد را احیا کنند و نگذارند آسیب بیشتر شود. سپس اگر فرد بخشی از توانمندی اش را از دست داده باشد، باید به آسایشگاه برود تا با شیوه جدید زندگی اش آشنا شود. بعد از مدتی فرد به زندگی عادی در جامعه بر می گردد و دیگر لازم نیست در آسایشگاه بماند. اگر او نتواند از خودش مراقبت کند، باید به مرکز نگهداری برود که با آسایشگاه متفاوت است. فلسفه پرداخت حق پرستاری به جانبازان این است که خودشان به مراکز نگهداری خصوصی بروند و پرستار بگیرند.» او درباره تفاوت بین امکانات خانم ها و آقایان جانباز نیز توضیح داد: «در تهران حدود پنج خانم و ۵۸۰ آقای جانباز نخاعی وجود دارد. پس نمی توانیم به نیازهای خانم ها به اندازه آقایان اهمیت بدهیم. البته مادر دادن حق پرستاری بین خانم ها و آقایان تفاوتی قائل نیستیم و به نسبت میزان معلولیت امتیازدهی می کنیم. ولی مبلغ حقوق مردان به این دلیل که سرپرست خانوار هستند، بیشتر است.»

ترین ها



«تکرار تاریخ» ترین

هفته گذشته انتخابات شورای صنفی واحدهای مختلف دانشگاه برگزار شد. این انتخابات ها مانند هر سال با بحث و جدل میان کاندیداها و ائتلاف ها همراه بود. نکته جالبی که در اکثر انتخابات های صنفی به چشم می خورد این است که هر سال کاندیداها یا ائتلاف هایی به یک باره وارد عرصه انتخابات شده و ادعای کنند که تصمیم دارند اشتباهات گروه قبلی را جبران کنند. شاید انتظار داشته باشید که این گروه ها اهداف تازه و خلا قانه ای در سر پروراند، اما معمولا پوسترها تکراری است. «تکرار تاریخ» ترین سوراخی است که بارها و بارها آدم از آن نیش خورده و خواهد خورد.

شریف نیوز

حاج آقا علیپور از ساعت ۱۸ در نمازخانه خوابگاه شهید احمدی روشن برقرار است.

دوشنبه

مقرر کیست؟

بسیج دانشجویی از مصطفی تاج زاده، فعال سیاسی اصلاح طلب و سید محمود نبویان، فعال سیاسی اصول گرا دعوت کرده تا به شریف بیایند و درباره مشکلات فعلی کشور و راه های برون رفت از آن بحث و تبادل نظر کنند. این برنامه از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در سالن جابر دانشکده شیمی برگزار می شود. اگر دنبال یک جلسه پر حاشیه و داغ سیاسی هستید، قبل از ساعت ۱۵ به جابر بروید تا جابر ای نشستن پیدا کنید.

سه شنبه

سمینار سیستم های پیچیده

انجمن علمی فیزیک، ژرفا، همبند و شناسا با همکاری هم سمینار سیستم های پیچیده را از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵:۳۰ در سالن جابر برگزار می کنند.

آشنایی با فلسفه اروپایی

سلسله جلسات آشنایی با فلسفه اروپایی از ساعت ۱۶:۳۰ در دفتر مطالعات فرهنگی واقع در نیم طبقه ساختمان شهید رضایی برقرار است.

فلسفه سیاسی

جامعه اسلامی حلقه مطالعاتی مبانی فلسفه سیاسی در هزاره سوم را از ساعت ۱۶:۳۰ در دفتر جامعه برگزار می کند.

در باره غرب

جلسات درس- گفت و گویا موضوع انقلاب اسلامی و توسعه از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸ در دفتر بسیج دانشجویی برگزار می شود.

پنج شنبه

افطار تاسحر در دشت آزو

گروه کوه آخر هفته برای پسران برنامه دشت آزو را برگزار می کند. پیش ثبت نام این برنامه در سایت گروه کوه به نشانی hamnavard.sharif.ir انجام می شود.

عروسک‌های آقای رئیس

از دوران قدیم رسم جالبی در دانشکده‌ها برای انتخاب معاونان رئیس وجود دارد؛ به این صورت که رئیس دانشکده اول استادان را بر اساس سن مرتب می‌کند، سپس از جوان‌ترها شروع کرده و مسئولیت‌ها را به ترتیب پخش می‌کند. در نگاه اول، ظاهراً هدف این روش رشد استادان تازه‌وارد و آشنایی بیشتر آنها با فضای دانشکده و دانشجویها به نظر می‌رسد، اما زمانی که به شیوه پیاده‌سازی و نتیجه‌های این تصمیم می‌نگریم «رشد استاد جوان»

که هیچ، نابودی او را می‌بینیم.

برای مثال معاون دانشجویی دانشکده ما استادی قراردادی است، یعنی هنوز جای پایش در دانشکده محکم نشده است و ثبات چندانی ندارد. به همین خاطر خودش را مجاب کرده که تقریباً تمامی تصمیماتش را با رئیس دانشکده چک کند که مبادا اشتباهی از او سر بزند. این رویکرد در بلندمدت استقلال او را می‌گیرد و معاون دانشجویی را به یک عروسک خیمه‌شب‌بازی تبدیل می‌کند. این عروسک و دیگر عروسک‌ها اراده‌ای تنها در طول اراده رئیس دانشکده دارند و صرفاً نقش ضربه‌گیر را برای تصمیمات جناب رئیس بازی می‌کنند. استاد جوان قصه ما که با بهانه «جوان‌گرایی» و «استفاده از جوانان در جایگاه‌های تصمیم‌گیری» مسئولیت گرفته است، حالا مثل پیرمردی ۶۰ ساله دنیای اطرافش را می‌بیند.

البته اشکال اصلی را از رئیس دانشکده یا معاون دانشجویی نمی‌دانم. اشکال را از باند و طرز فکری می‌دانم که ارزشی برای «اشتباه کردن» قائل نیست و حاضر نیست هزینه‌ای برایش بدهد. این طرز تفکر حکم می‌کند تنها کارهایی ارزش انجام دارند که در نهایت بهینگی و بی‌نقصی انجام می‌شوند. اما ظاهراً نمی‌دانند که «اشتباه کردن» - آن‌هم در جایگاه دانشجو- عنصری حیاتی و لازم برای رشد است. اگر دانشجو یا معاون دانشجویی جوان با شرایط مختلف و دشوار رودررو نشوند و با «اشتباه کردن»، شیوه صحیح مواجهه را یاد نگیرند، انسان‌هایی ضعیف و بی‌مسئولیت بار می‌آیند، به ناچار از همه‌ی مسائل می‌گریزند و دست روی دست می‌گذارند تا راه حلی بی‌نقص و ایده‌آل از غیب برایشان برسد (که نمی‌رسد). اگر ادعای جوان‌گرایی داریم، باید به استادان جوان فرصت و مشورت بدهیم تا رشد کنند و برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ آماده شوند، نه اینکه آنها را به زور مجبور به پیروی از محافظه‌کاری‌های خودمان بکنیم.

اکران مستند انقلاب جنسی با حضور حجت‌الاسلام قاسمیان

صریح و بدون روتوش



با پدیده‌های جدید انتقاد وارد می‌کند. به گفته او ما در مقابل هر پدیده جدید، از ویدئو و ماهواره تا موسیقی و گوشی‌های هوشمند ابتدا به نفی پدیده روی می‌آوریم و بعد که نتیجه عکس گرفتیم، نمی‌دانیم باید چه کار کنیم، در حالی که ابتدا باید واقعیت را پذیرفت و پدیده جدید را شناخت و سپس متناسب با ارزش‌ها و اعتقادات خود و نیز ویژگی‌های ذاتی آن پدیده بر آن سوار شد و آن را کنترل کرد.

در بحران نیستیم

نوبت به پرسش و پاسخ می‌رسد. قاسمیان در پاسخ به سوال اول وضعیت زیست جنسی در ایران را بحرانی نمی‌داند ولی می‌گوید که مسیری که در آن حرکت می‌کنیم، مسیر درستی نیست. او اعتقاد دارد راهکار دادن برای یک موضوع، بسته به فرهنگ و جامعه و زمان و منطقه می‌تواند متفاوت باشد و نمی‌توان یک نسخه جامع برای همه‌جا و همه افراد پیچید. قاسمیان تسریع و تسهیل در ازدواج را امری موثر برای بهبود شرایط معرفی می‌کند و می‌گوید برای هر فرد در هر شرایطی باید پروتکل و راهکار پیشنهاد داد؛ حتی برای دوستی‌های بین پسرها و دخترها. یکی از پرسش‌ها درباره آموزش جنسی است. قاسمیان ابتدا به فرمایش امام علی (ع) به امام حسن (ع) اشاره می‌کند: «من فقط به تو قرآن را یاد دادم و این برای تو کافی است ولی بعد ترسیدم که افرادی چیزهایی را زودتر از من به تو بگویند و تو را منحرف کنند و من بر خلاف میلم و با اکراه به تو اینها را می‌گویم». قاسمیان می‌گوید از آنجا که ما در امر آموزش جنسی بسیار ضعیف عمل کرده ایم، پسران و دختران مادر اینترنت و به صورت نامناسب این موارد را فرا گرفته‌اند. او لزوم داشتن نسخه داخلی و بومی سندی مثل ۲۰۳۰ را بیان می‌کند؛ سندی که متناسب با جامعه ما، فرهنگ ما و انگاره‌های دینی ما تدوین شده باشد.

هنگام تدوین و اصلاحات و ویرایش‌های بعدی از مشورت و نظرات او استفاده کرده‌اند. موسس حوزه علمیه مشکات ادعا می‌کند که این مستند یک مستند پژوهشی نیست و جنبه اجتماعی آن پررنگ‌تر بوده و به همین دلیل طنز و شوخی هم در آن جایگاه ویژه‌ای دارد.

قاسمیان که از اعضای هیأت اندیشموزز بنیاد ملی خانواده است، خط اصلی داستان را اینطور بیان می‌کند: «چنانچه آدم‌ها عشق‌های متعددی را تجربه کنند، اگر چه به نظر خودشان به موفقیت رسیده‌اند ولی در واقعیت خوشبخت و موفق نیستند و از موهبت و لذت عشق‌های بادوام محروم می‌شوند و این واقعیتی مستند به آمار است». او سپس به شیوه صحبت با نسل جوان می‌پردازد و بیان می‌کند که باید ریسک‌ها و اثرات و عواقب رفتارهای مختلف را برای آنها توضیح داد و توصیه‌های اخلاقی رسمی دردی را دوا نمی‌کند. قاسمیان می‌گوید که از سازندگان مستند خواسته تا روایتی صادقانه و قابل پذیرش از غرب ارائه دهند.

او در قسمت بعدی صحبت‌هایش به این نکته اشاره می‌کند که متأهلین در ایران یاد نگرفته‌اند عشق ورزی و ابراز محبت کنند و همین موضوع سبب بسیاری از اختلافات بعدی است. همچنین به تأثیر ورزش نکردن و بدن‌های بدھیکل و بدفرم در بروز مشکل در روابط خانوادگی هم می‌پردازد. قاسمیان روابط دوستی در غرب را به نسخه ازدواج موقت در اسلام نزدیک می‌داند، چرا که در این روابط در عین موقت بودن تعلق خاطر وجود دارد و ارتباط یک پسر با چند دختر به صورت همزمان امری مذموم به‌شمار می‌رود. البته به گفته قاسمیان ازدواج موقت در ایران به صورت نادرست تبیین شده و فرهنگ نامناسبی حول آن شکل گرفته و در نتیجه امری ناپسند محسوب می‌گردد.

قاسمیان در بخش پایانی صحبت‌هایش به شیوه مقابله

دوشنبه، ۹ اردیبهشت، ساعت ۱۵؛ سالن

جناب دانشکده فیزیک. تقریباً همه صندلی‌ها پر است. البته حضور پسران بسیار بیشتر از دختران است و شاید تعداد دختران حاضر در سالن نهایتاً به تعداد انگشتان یک

دست برسد. عنوان «عشق آزاد» در پوستر برنامه و اکران مستند نسبتاً پر حاشیه «انقلاب جنسی ۳» برای جذب مخاطب جوان دانشگاه کافی است. البته جمعیت سالن بیشتر از قشر مذهبی هستند که حضور حجت‌الاسلام قاسمیان به عنوان مهمان برنامه در این موضوع بی‌تأثیر نبوده است.

برنامه با تلاوت سوره مومنین شروع می‌شود. سپس چراغ‌ها خاموش شده و مستند روی پرده می‌رود؛ مستندی به کارگردانی حسین شمقدری و با اجرای محمد دلاوری. مستند با سفر محمد دلاوری به سنت‌پترزبورگ و ملاقاتش با دختر داستان شروع می‌شود؛ دختری روس که قرار است برای ساعتی میزبان تیم مستندساز ایرانی باشد. ادعای سازندگان این است که او را در سایت میزبان‌یابی پیدا کرده‌اند که مقداری شک‌برانگیز است. داستان مستند حول روابط عاطفی این دختر می‌گردد و به نوعی قصد دارد روابط دوست‌دختر و دوست‌پسری را با روابط سنتی مقایسه کند. دلاوری از تعداد دوست‌پسرهای دختر می‌پرسد و سوال می‌کند که چرا دوست‌پسر فعلی اش کنارش زندگی نمی‌کند؟ تیم مستندساز حتی به نایت کلاب می‌روند و با آدم‌های اطراف آن مصاحبه می‌کنند.

مستند نکات متفرقه زیادی دارد و سعی شده چاشنی طنز زیادی داشته باشد، به طوری که هر چند دقیقه یک‌بار صدای خنده بچه‌ها در سالن شنیده می‌شود. پناهگاه زنان بی‌خانمان تهران را نشان می‌دهد، از آزادی پوشش در ساحلی وسط شهر سنت‌پترزبورگ و تأثیرش بر ورزش کردن جامعه می‌گوید و در نهایت هم با سکانسی احساسی از آهنگی که دختر اصلی داستان در رابطه اولش خاطرات فراوانی با آن داشته، خاتمه می‌یابد. هدف مستند کمی گنگ به نظر می‌رسد، شاید هم هدف آن بیان چند حقیقت بوده و نتیجه‌گیری را بر دوش مخاطب گذاشته است.

شریفی دیروز و همه‌فن حریف امروز

مستند تمام می‌شود و بچه‌ها منتظر حاج آقا قاسمیان هستند؛ مردی میان سال که در همین شریف روزگاری عمران خوانده و با یک شریفی که فیزیک می‌خوانده، ازدواج کرده است. قاسمیان حرف‌هایی می‌زند که قبلاً کمتر گفته و شنیده شده و به واقعیت فعلی کشور نزدیک است. صداقت او در کنار شوخی‌ها و نمک حرف‌هایش بچه‌ها را در سالن نگه می‌دارد و برنامه را تا ساعت شش و نیم ادامه می‌دهد.

قاسمیان صحبت‌هایش را با توضیح روند ساخت مستند آغاز می‌کند. تیم مستندساز با توجه به تجربه‌های دانشگاهی و حوزوی و نیز مشاهده زندگی در غرب و شرق جهان و نیز تجربه کار در زمینه آسیب‌های اجتماعی به سراغ اورفته و هم در جلسات قبل از فیلم‌برداری و هم در

ذره‌بین

دو پنجشنبه گذشته، بر و بچه‌های پویش شریف‌اشغال در دانشکده مدیریت و اقتصاد مشغول تفکیک کاغذهای باطله گروهی از استادان آن دانشکده بودند. حدود ۱۰ استاد به پویش پیوستند و کاغذهای بلااستفاده خود را تصفیه کردند و نتیجه آن جمع شدن قریب به ۴۰۰ کیلو انواع کاغذ، کتاب و زباله‌های خشک دیگر بود.

نکته‌ای که بسیار باعث تأسف بود و محدود به دانشکده مدیریت و اقتصاد هم نمی‌شود، مقدار بسیار زیاد پایان‌نامه‌هایی است که به صورت یک‌رو چاپ شده‌اند و پس از سال‌ها انبار شدن در اتاق استادان، امروز به

دورویی به نفع محیط زیست

شریف‌اشغال سپرده شدند. مقدار کاغذ یک‌رو سفید یا حتی برگه‌های امتحانی خالی جمع شده در این دو نوبت قریب به ۱۵۰ کیلوگرم بوده است. با توجه به افزایش شدید قیمت کاغذ از یک‌سو و گسترش قابل توجه امکانات و فرهنگ الکترونیک‌خوانی از سوی دیگر، به نظر می‌رسد دیگر وقت آن رسیده است که دانشکده‌ها و کتابخانه مرکزی دانشگاه قوانین تدوین پایان‌نامه را تغییر دهند و یا آن را به صورت الکترونیک بپذیرند یا به صورت چاپ دوروز از دانشجو دریافت کنند تا از هزینه‌های مالی و محیط زیستی طرح بکاهند.



دختران خوابگاهی از مشکلاتشان می‌گویند این قصه برای ن خوابیدن است

هنوز وقتی با یک دختر خوابگاهی آشنا می‌شوم خاطرات روزهای اول خوابگاه زنده می‌شوند. غروب دلگیر پاییز، دوری از خانواده، اطرافیانی که شناختی از آنها نداشتیم و بغضی که آن را فرومی‌خوردم نکند اشکم سرازیر شود. در آرزوی دیدن صبح می‌خوابیدم که به دانشگاه بروم و با دیدن دوستان هم‌کلاسی دلم کمی شاد شود. خوابگاه خاطرات شیرین و تلخ بسیاری برایم ساخت؛ ولی آنچه بیش از هر چیز دیگری نصیبم شد، سازگاری بود، سازگاری با محیط، با افراد، جنگیدن برای حل مشکلات، کوتاه‌نیامدن جلوی سختی‌ها و در یک کلام سخت‌جانی؛ چیزی که خیلی اوقات به آن افتخار می‌کنم. برای بررسی وضعیت فعلی خوابگاه دختران، به سراغ تعدادی از آنها رفتم و مشکلاتشان را شنیدیم، روایت‌هایی که می‌خوانید بر اساس واقعیت هستند ولی اسامی افراد و شهرشان واقعی نیستند.



مهسا، ورودی ۹۵، اهل ارومیه

سال سوم کارشناسی هستم، من هم مثل بقیه خوابگاهی‌ها با مشکلات زیادی در دو سال گذشته مواجه بودم؛ از داشتن هم‌اتاقی اعصاب‌خردکن گرفته تا مشکلاتی مثل ااثات‌کشی‌های وقت و بی‌وقت برای سم‌پاشی، گاهی محدودیت زمان ورود به خوابگاه برایم آزاردهنده بود، به‌خصوص زمانی که با دوستانم برنامه تفریحی مشترک داشتیم و اگر سر ساعت به خوابگاه نمی‌رسیدم سریع خانواده‌ام در جریان قرار می‌گرفتند و نگران با من تماس می‌گرفتند که نکند بلایی سرم آمده باشد. ولی من همه این مشکلات را تحمل کردم و فکر می‌کنم هر محیطی شرایط خاصی دارد که باید خودم را تا حد ممکن با آن سازگار کنم ولی امسال شرایط تغییر کرده است. برادرم در تصادف فوت کرد و همین باعث شد فشار زیادی بر من و خانواده‌ام وارد شود. علاوه بر سنگینی غم از دست دادن مهرداد، روزهای زیادی مجبور بودم مرتب به شهرستان بروم و کنار خانواده‌ام باشم و همین موضوع باعث ایجاد مشکلات زیاد درسی هم شد. وقتی به تهران برمی‌گشتم واقعا نیاز داشتم مشاوره‌ای در کنارم باشد که بتواند به من کمک کند و بگوید چگونه از این بحران بیرون بروم. به مرکز مشاوره مراجعه کردم ولی برای سه هفته بعد به من وقت دادند، با یک جلسه هم کار من راه نمی‌افتاد. گاهی آن قدر تحت فشار بودم که راضی بودم حتی با ناظمه‌ها بنشینم و درد دل کنم ولی واقعا در رفتار بعضی از آنها هیچ دلسوزی‌ای نمی‌دیدم. فقط یکی از آنها بود که متوجه تغییر شرایط من شد و مرا دلداری داد که البته آن بنده خدا هم فقط می‌توانست گوش کند و هیچ راهکاری نداشت. یک بار به مشاور خوابگاه مراجعه کردم، تا امدم خودم را معرفی کنم و مشکلم را مطرح کنم و قتم تمام شده بود و چون مراجعانش زیاد بودند نمی‌توانست وقت بیشتری به من بدهد.

شیماء، ورودی ۹۳، پشتیبان، اهل مشهد

الان ترم آخر کارشناسی هستم. من خیلی زود خودم را با شرایط خوابگاه وفق دادم، فکر می‌کنم نوع تربیتم در این موضوع بسیار مؤثر بود. خانواده من قبول نداشتند که نباید آب در دل من تکان بخورد و فقط باید درس بخوانم، به همین خاطر بسیار مستقل بودم و زود از پس مشکلاتم برآمدم. البته مشکلاتی در خوابگاه وجود دارد که خواه‌ناخواه همه درگیر آن هستیم، اگر سال اول بتوانیم زنده از زیر بار مشکلات دربیایم، بقیه‌اش را هم می‌توانیم سر کنیم. تصمیم گرفتم در طرح پشتیبان شرکت کنم تا بتوانم تجربه‌هایم را در اختیار بچه‌های تازه‌وارد خوابگاه قرار دهم. در این مدت و طی آشنایی و دوستی با افراد زیاد، مشکلات متعددی را دیده‌ام و تا جایی که توانسته‌ام سعی کرده‌ام برای رفعشان راهنمایی کنم ولی واقعا بخش عظیمی از مشکلات بعضی دانشجویها برمی‌گردد به ضعف شخصیتشان. آن قدر ضعیف و بی‌دغدغه بزرگ شده‌اند که تحمل کوچک‌ترین سختی در دانشگاه یا خوابگاه را ندارند. سریع در ذهنشان از کاه کوه می‌سازند و خودشان را در بحران می‌بینند.

یک مشکل دیگر بعضی از آنها این است که به پوچی رسیده‌اند؛ انگار برای آنها فقط یک هدف در زندگی وجود داشته و آن موفقیت در کنکور بوده و حالا که این مرحله را گذرانده‌اند، با انبوهی از سؤالات مواجه شده‌اند و به بدیهیات هم شک می‌کنند. حس پوچی و بی‌هدفی از درون، سردی روابط اجتماعی اغلب بچه‌های شریف و مشکلات خوابگاه و دانشگاه و درس و استاد و... باعث می‌شود بعضی کاملاً ناامید باشند و من هم به‌عنوان یک دانشجو تخصصی در زمینه روان‌شناسی ندارم که بتوانم او را تحلیل کنم و راهکار درست بدهم، همیشه عذاب وجدان دارم که نکند کارم نتیجه عکس داشته باشد. در مورد بعضی افراد که شرایط حادثی داشته‌اند، گزارش‌هایی داده‌ام ولی متأسفانه گوشی بدهکار نبوده است. البته بعضی مشکلات مثل اعتیاد به مواد مخدر یا الکل هم کم و بیش دیده می‌شود ولی وقتی در موردش با مسئولان صحبت می‌کنیم همیشه کتمان می‌کنند و می‌گویند «برو مدرک بیار وگرنه...». اثبات چنین مواردی سخت است ولی واقعا وجود دارد. اگر نگران دانشجویها هستند و احساس مسئولیت می‌کنند باید خودشان برای بدتر نشدن اوضاع دست‌به‌کار بشوند.

سمانه، ورودی ۹۶، اهل ایلام

من به‌شدت به خانواده‌ام وابسته بودم، حتی در بسیاری از تصمیم‌گیری‌هایم نمی‌توانستم مستقل عمل کنم، در شهر خودمان بدون مادر یا پدرم جایی نمی‌رفتم ولی چون دوست داشتم به شریف بیایم فکر کردم می‌توانم تنهایی را تحمل کنم. با توجه به این شرایط ورودم به خوابگاه برایم آغاز یک بحران بود. من روابط اجتماعی خوبی داشتم و همین باعث شد در ابتدای ورودم به دانشگاه تعدادی دوست پیدا کنم، بعد از گذشت مدت کوتاهی به‌خاطر فشار دوری از خانواده درگیر یک رابطه عاطفی شدم و می‌خواستم از این طریق خودم را آرام کنم. وقتی به خودم آمدم دیدم آن قدر در این رابطه فرورفته‌ام که اگر مشکلی ایجاد شود، تحمل شرایط برایم غیر ممکن خواهد شد. از سال دوم فشار درس‌های تخصصی هم بیشتر شد و همه اینها مرا به جایی رساند که ترجیح دادم گاهی برای دوری از فکر این مشکلات، یک نخ سیگار بکشم. من هنوز به دوری از خانواده عادت نکرده‌ام، وابستگی‌ام به دوستم از طرفی و سیگار هم از طرف دیگر به آن اضافه شده. اعتراض هم‌اتاقی‌هایم به سیگار کشیدن من هم باعث شده بترسم از اینکه نکند کارم به کمیته انضباطی بکشد، خانواده‌ام بفهمند و مشکلاتم بیشتر شود. کلاً من در خوابگاه هیچ‌گاه حس راحتی نداشتم، احساس می‌کنم رفتار مسئولانش باید مهربانانه‌تر باشد تا بتوانم دوری از خانواده را راحت پشت سر بگذارم. آنها به خودشان اجازه می‌دهند به ساعت ورود و خروج من گیر بدهند و استدلالشان این است که خانه خودتان مگر هیچ قانونی نداشت؟ مطمئنم اگر در کنار خانواده بودم هم محدودیت‌هایی برای رفت و آمدم وجود داشت ولی من در خانواده از محبت اشباع می‌شدم در حالی که اینجا از مهر و محبت خبری نیست. گاهی حس می‌کنم فقط منتظرند تا منج‌ما را در مواقع اشتباه بگیرند.

نسترن، ورودی ۹۷، اهل اصفهان

تصور می‌کنم که از دانشگاه داشتم چیز دیگری بود، چند سال دبیرستان را به شوق آمدن به شریف تلاش کردم و برای خودم نقشه‌ها و آرزوها داشتم. از روزی که وارد خوابگاه شدم و با چند نفر از اساتیم هم‌اتاق شدم مشکلاتم شروع شد. یکی از هم‌اتاقی‌هایم به‌شدت وسواسی است. هر بار به آشپزخانه یا دستشویی می‌روم باید استرس داشته باشم که چه گیری به من می‌دهد. برای هر حرکت ما انتقادی در جیبش دارد. واقعا زندگی کردن با او برای من و بقیه بچه‌های اتاق سخت است. یکی دیگر از هم‌اتاقی‌هایمان بسیار بی‌ادب و بددهن است و راحت به همه ما توهین می‌کند و فحش می‌دهد. گاهی شده ما در حال صحبت با هم یا صحبت با تلفن بوده‌ایم و او از چیزی عصبانی شده و به خودمان و طرفی که با او در حال صحبتیم هر چه دلش خواسته گفته. از همان هفته اول درخواست تغییر اتاق داده‌ام ولی هنوز اتفاقی نیفتاده، مسئولان خوابگاه به من می‌گویند چون سال اولی هستی و هنوز با فضای خوابگاه انس نگرفته‌ای داری سخت می‌گیری، هر اتاق دیگری هم بروی این مسائل هست. برای من در این فشار دوری از خانواده و فشار درس‌ها که خیلی بیشتر از آن چیزی است که تصورش را می‌کردم، تحمل فضای اتاق غیر ممکن شده. هنوز هم دوست صمیمی ندارم که راحت بتوانم با او درد دل کنم و وقت بگذرانم و این موضوع فشار بیشتری بر من تحمیل می‌کند. دور تخته‌پرده‌ای کشیده‌ام و ترجیح می‌دهم خودم را در همان فضای کوچک تخته‌چسب کنم، غذایم را همان جا بخورم و درسم را بخوانم که با این افراد کمتر بر خورد داشته باشم.

لیلا، ورودی ۹۶، اهل رودهن

خوابگاه شامل حال من نمی‌شود. من هر روز چند ساعت از وقتم در حال رفت‌وآمد هستم. ترم اول که اختیاری در انتخاب واحد نداشتم، بعضی کلاس‌هایم تا ساعت ۷ عصر طول می‌کشید و من خیلی دیر به خانه می‌رسیدم. چندین بار درخواست دادم که به من هم اتاق بدهند ولی همیشه جوابشان این است که ما برای شهرستانی‌ها هم جاکم داریم چه برسد به شما؛ در حالی که دوستان خوابگاهی‌ام می‌گویند تعداد زیادی اتاق خالی همیشه وجود دارد. بعد از کلی دوندگی و کار اداری و کاغذبازی راضی شده‌اند دو سه شب در ماه به من خوابگاه بدهند که البته این تعداد روز بسیار کم است. من خیلی از اوقات مجبورم برای نتیجه‌گرفتن از آزمایشت تا دیروقت در آزمایشگاه باشم. بعضی افراد را می‌بینم که خوابگاه به آنها هم تعلق نمی‌گیرد ولی با سندساز و دروغ توانسته‌اند خوابگاه بگیرند. اینکه سیستم به‌گونه‌ای باشد که اگر صداقت به خرج بدهی متضرر شوی اصلا عادلانه نیست.

سارا، ورودی ۹۴، اهل اهواز

من در این چند سال هر بار بایک مشکلی در خوابگاه روبه‌رو بوده‌ام. سال اول یک هم‌کلاسی به‌شدت «خرخون» داشتم و نه نمی‌توانستیم در اتاق دور هم بنشینیم و صحبت کنیم، نه می‌توانستیم فیلم ببینیم، نه موسیقی گوش بدهیم و همین فعالیت‌های معمول روزمره. همیشه گله‌مند بود که شما اجازه نمی‌دهید من درس بخوانم؛ شب‌ها تا دیروقت مشغول درس خواندن بود و ما نمی‌توانستیم راحت بخوابیم. جالب است که خیلی دیگر از دوستانم که هم‌اتاقی خیلی درس‌خوان داشتند هم با این مشکل مواجه بودند. سال بعد که خودم هم‌اتاقی‌هایم را انتخاب کردم، شرایط اتاقمان خوب بود ولی من پایم شکست و اتاق ما طبقه دوم بود؛ برای استفاده از دستشویی هم نیاز به توالت فرنگی داشتم که فقط در طبقه اول یکی از بلوک‌ها وجود داشت و من هر بار باید دو طبقه پایین می‌آمدم و یک طبقه بالا می‌رفتم که به دستشویی برسم. تازه گاهی اوقات نیمه‌های شب در آن بلوک قفل بود و من واقعا مستأصل می‌شدم. یک مشکل دیگر هم که امسال با آن مواجه شدم این است که ما امسال تعدادمان سه نفر بود که می‌خواستیم در یک اتاق باشیم و دو نفر دیگری که با ما هم‌اتاق شدند اصلا از لحاظ مذهبی و فرهنگی با ما تناسب نداشتند و باعث آزار ما و آن دو نفر شد. اگر در خواست تغییر اتاق بدهیم باید ۵ نفر مان مجزا به اتاق‌های مختلف برویم که اصلا برایمان مطلوب نیست.

در مکان‌های عمومی ممنوع است. خوابگاه هم چون مکانی عمومی است استعمال سیگار در آن ممنوع است. در اتاق هم ممنوع است چون مکانی عمومی محسوب می‌شود. البته اگر چنین اتفاقی بیفتد و کسی شکایتی نکند، ما نمی‌توانیم پیگیری کنیم. اگر کارشناس بهداشت گزارش کند هم برخورد خواهد شد.

در مورد استفاده از الکل، آیا برنامه‌ای برای برخورد دارید؟

به دلیل حمل‌ونقل راحت و فراوانی در جامعه، بالطبع در خوابگاه هم مصرفش بیشتر شده و بررسی این آسیب اجتماعی بر عهده مانیست و زمانی که در اتاق‌ها مصرف می‌شود، چون در حریم خصوصی دانشجویان است ما نمی‌توانیم ورود کنیم. ولی اگر کسی با ارائه مدرک گزارش دهد، پیگیری و برخوردی جدی می‌کنیم.

در خوابگاه روان‌پزشک و مشاور وجود دارد؟ چهارشنبه‌ها مشاوره‌ای از طرف نهاد رهبری در خوابگاه حضور دارد. ولی ما متولی این امر نیستیم و مرکز مشاوره باید برنامه این موضوع را بریزد و دانشجویان باید به مرکز مشاوره مراجعه کند و درخواستش را به آنجا بدهد. وظیفه اداره امور خوابگاه‌ها فقط اسکان است و از سایر مراکز، مثل مرکز مشاوره، اداره تأسیسات، تربیت بدنی، مرکز محاسبات و... خدمات می‌گیرد.

راجع به در خوابگاه، اعتراضاتی وجود داشته و درخواست تغییر آن را داده‌اند، برنامه شما چیست؟

ما طرحش را داده‌ایم ولی به خاطر محدودیت‌های مالی فعلاً انجام نشده است ولی در اولویت ما قرار دارد که هرگاه بودجه‌اش فراهم شود، تغییرات انجام بگیرد. قرار است بعد از در اصلی یک در دیگر قرار داده شود که فضای خوابگاه دید نداشته باشد. بعد از این تغییر، حضور باغبان و تأسیساتی خوابگاه هم محدودیت خواهد داشت و زمانی را اعلام می‌کنیم که در آن هیچ مردی در خوابگاه حضور نداشته باشد و اگر نیاز به حضور مردی باشد، اعلام خواهد شد.

و سرپرست خوابگاه و دانشجورا می‌خواهیم و در جلسه‌ای مشترک موضوع را بررسی خواهیم کرد. ما از سرپرست خوابگاه و ناظمه‌ها می‌خواهیم که اگر در رفتار دانشجو تغییری می‌بینند، با او صحبت کرده و پیگیری کنند و اگر با مشکلی روبرو شد به او کمک کنند، چون خوابگاه برای دانشجو محل تخلیه ناراحتی‌هاست و این جزو وظایف ناظمه‌هاست که از لحاظ عاطفی دانشجورا حمایت کنند. از دیگر وظایف ناظمه‌ها این است که اگر دانشجو در شب مشکلی پیدا کند و نیاز به مراجعه به بیمارستان داشته باشد، او را همراهی کند.

چرا برای بازدید از اتاق‌ها، هماهنگی صورت نمی‌گیرد و ناظمه‌ها ناگهانی وارد اتاق می‌شوند و حریم خصوصی افراد را حفظ نمی‌کنند؟

کارشناس بهداشت طبق برنامه زمان‌بندی باید از اتاق‌ها بازدید کند و در طول هفته باید این کار انجام شود ولی به‌خاطر محدودیت زمانی هم‌زمان نمی‌تواند از همه اتاق‌ها بازدید کند. دانشجویان می‌دانند که بازدید صورت می‌گیرد ولی زمان مشخص شده‌ای برایش تعیین نمی‌شود. ضمن آنکه برای بازدید باید حداقل یک نفر از ساکنین اتاق حضور داشته باشد.

ناظمه‌ها مشکلاتی را می‌بینند، ولی به جای تذکر یا گزارش، به دانشجو می‌گویند این کار را جلوی من انجام نده. چرا چنین رفتاری دارند؟ آیا گزارش دادن مشکلات برای آنها پیامد نامطلوبی دارد؟

خیر، اتفاقاً ما از این گزارش‌ها استقبال هم می‌کنیم چون می‌توانیم جلوی قانون‌شکنی را بگیریم ولی این رفتار به خاطر این است که هوای دانشجورا داشته باشند. چون اگر چنین مشکلاتی پیش بیاید و ما از کانال دیگری متوجه آن بشویم، ناظمه باید پاسخ‌گو باشد که چرا گزارش نداده است.

برنامه دانشگاه برای افرادی که در خوابگاه سیگار می‌کشند چیست؟

از نظر قوانین وزارت علوم و دانشگاه، سیگار کشیدن

گفت‌وگو با رئیس اداره امور خوابگاه‌ها

قوانین را خوانده و امضا کرده است

دانشگاه برای مسائل مربوط به خوابگاه‌ها یک اداره دارد که رئیس آن آقای سلطانی است؛ مردی که برای خوابگاهی‌ها نامی آشناست و بیشتر از همه مسئولان دانشگاه باریز مشکلات خوابگاه درگیر است. ما نزدیک به ۱۰ ساعت با دختران خوابگاهی مصاحبه کردیم و بخشی از حاصل آن، سوالاتی است که از سلطانی پرسیدیم؛ طبقه اول ساختمان معاونت دانشجویی.

گفت‌وگو

وقتی با هم اتاقی به مشکل اساسی برخورد می‌کنیم، روند تعویض اتاق در عمل ناممکن یا بسیار کند است. این در حالی است که تعداد زیادی اتاق خالی هم وجود دارد.

اسکان دانشجویان دو بخش دارد؛ ورودی‌های جدید و دانشجویانی که قبلاً ساکن خوابگاه بوده‌اند. ورودی‌های جدید با توجه به اینکه در بدو ورود نسبت به هم آشنایی ندارند، در دوره کارشناسی بر اساس هم‌استانی بودن هم اتاق می‌شوند و ورودی‌های ارشد بر اساس رشته. برای دانشجویان دکترا هم محدودیتی وجود ندارد.

برای دانشجویان ساکن خوابگاه، در اواخر اردیبهشت و خرداد لیست‌گیری اتاق‌ها انجام می‌شود. فرصتی هم وجود دارد که اگر در طول سال دانشجویی با هم اتاقی‌اش مشکل پیدا کند، در سامانه درخواست جابجایی بدهد و بدون ار جاع به سرپرست خوابگاه، به‌صورت الکترونیکی از فردی بخواهد جایشان را با هم عوض کنند. البته شرط آن هم ورودی و هم مقطع بودن است و در غیر این صورت می‌بایست به سرپرست مراجعه و درخواست خود را ارائه نماید. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که فردی از یک اتاق بخواهد با چند نفر دیگر از چند اتاق دیگر هم اتاق شود که منجر به ناقص شدن چند اتاق می‌شود و چنین کاری امکان‌پذیر نیست چون در زمان لیست‌گیری می‌توانستند از طریق سامانه درخواست کنند که هم اتاقی باشند.

وجود اتاق خالی دلیل نمی‌شود که بتوانیم این درخواست‌ها را پاسخ دهیم چون هر کدام از اتاق‌ها هم مصرف انرژی دارند و هم استهلاک؛ ضمن اینکه ما هر سال تعدادی اضافه ظرفیت داریم که به‌خاطر دانشجویان سنواتی ایجاد می‌شود. تعدادی اتاق خالی هم باید وجود داشته باشد برای زمانی که مشکلاتی مثل ساس به‌وجود می‌آید تا بتوانیم انتقالاتی صورت دهیم.

اگر مشکلی باشد که مستقیماً به ما مرتبط نباشد، آن را به اداره مربوط ار جاع می‌دهیم؛ مثلاً به اداره بهداشت یا مرکز مشاوره یا کمیته انضباطی. حکم آنها مشخص

می‌کند چه نوع برخوردی باید با طرفین داشته باشیم و تا زمان تعیین تکلیف، دو طرف می‌توانند در اتاق‌هایی که به هر دلیل در بین ترم ناقص شده، ساکن شوند.

تحصیلات ناظمه‌ها چیست و چگونه انتخاب می‌شوند؟

همه ناظمه‌های جدید مدرک کارشناسی دارند و از طریق آگهی و مصاحبه استخدام شدند و کمک‌ناظمه‌ها به‌طور میانگین دیپلم دارند ولی تعدادی از افراد که از قبل در مجموعه بوده‌اند تحصیلاتشان کمتر است. کار ناظمه‌ها چون شیفتی و شبانه‌روزی است و تعطیلات بسیار کمی دارد، متقاضی بسیار اندکی دارد. مرکز مشاوره دوره‌های آموزشی برایشان می‌گذارد و در جلسات متداولی که به‌طور مرتب با آنها و سرپرست خوابگاه داریم، موضوعات لازم را انتقال می‌دهیم.

دانشجویان بعضاً از رفتار برخی ناظمه‌ها شکایت دارند. حتی بعضی از دانشجویان از برخوردهای سلیقه‌ای شکایت دارند و می‌گویند ناظمه‌ها بین دانشجویان فرق می‌گذارد. اصلاً چرا ناظمه باید برخورد کند؟ وظیفه اوست که اگر موردی باشد یادداشت کند و گزارش بدهد.

ممکن است به خاطر خطاهای انسانی گاهی رفتاری ناراحت‌کننده از ناظمه‌ای دیده شود ولی این همیشگی نیست. پابندی به قوانین خوابگاه بدین معنی است که کسی نباید سلیقه‌ای برخورد کند و کسی که حضور در خوابگاه را پذیرفته یعنی این قوانین را هم خوانده و پذیرفته است. دو مرحله تذکر شفاهی می‌دهند و بار سوم اگر تکرار شد گزارش ارسال می‌شود. ولی اگر این تذکر با لحن و روش بد صورت گیرد، دانشجومی‌تواند به اداره امور خوابگاه‌ها مراجعه کند و آن را گزارش دهد.

فرایند نظارت بر عملکرد ناظمه‌ها چگونه است؟ و چه وظایفی دارند؟

سرپرست خوابگاه نظارت مستقیم می‌کند و اگر موردی پیش بیاید و دانشجو گزارش کند، ما ناظمه

جمع‌بندی

از مشکلات خوابگاه بسیار گفتیم و شنیدیم. ولی آیا راه‌حلی هم داریم یا فقط غر می‌زنیم؟ تعدادی پیشنهاد به ذهن ما و دوستانی که در خوابگاه به مشکل برخورد کرده‌اند رسیده که همه متوجه اداره امور خوابگاه‌ها نیست، بلکه سایر بخش‌های دانشگاه هم باید در رفع این مشکلات همکاری کنند؛ البته که اگر به دانشگاه به چشم یک خانواده واحد نگاه کنیم و سلامت روحی و روانی و جسمی افراد خانواده برایمان اهمیت داشته باشد، این همکاری نیز انتظار می‌رود.

- شاید خیلی بهتر از هم اتاق کردن دانشجویان بر اساس استان باشد. این همه تست از ما می‌گیرید پس چه می‌کنید؟
- شهرستانی داریم تا شهرستانی:** بسیاری از بچه‌ها از شهرهای اطراف تهران می‌آیند و گاهی ساعت‌ها در راه رفت و برگشت هستند که این موضوع بر کیفیت زندگی‌شان به‌شدت اثر می‌گذارد. به جای ایجاد محدودیت برای ورود افرادی که منزلشان در شهرهای اطراف تهران است، به آنها امکانات خوابگاهی با هزینه بیشتر نسبت به بقیه داده شود، اما بتوانند تعداد روز بیشتری از خوابگاه استفاده کنند.
- مدیریت بحران:** برای مواردی که شرایط ویژه‌ای وجود دارد و افراد تقاضای تغییر اتاق بدون معطلی هستند، اتاق‌هایی به‌عنوان اتاق موقت وجود داشته باشد و اختصاص داده شود و افراد موظف باشند در مدت زمان مشخصی، اتاق مناسب برای خود را پیدا کنند.

- پزشک، به‌ویژه پزشک زنان، برای مشاوره و حل مشکلات جسمی و جنسیتی اقدام کند که هم آموزش را در پی دارد و هم خیالمان را جمع‌تر می‌کند.
- آموزش پشتیبان‌ها:** پشتیبان‌ها مگر چه کسانی هستند؟ مثل خودمان دانشجوی فنی هستند با هزار دغدغه فردی. آموزش مهارت‌های مشاوره و تا حدی روان‌شناسی به پشتیبان‌ها و بررسی مداوم گزارش‌های آنها برای انجام به‌موقع فعالیت‌های لازم و شناسایی دانشجویانی که در معرض خطر هستند، می‌تواند این سیستم را ارتقای چشمگیر دهد. از طرفی اگر افرادی برای حل مشکلات درسی و مشاوره به دانشجویان ورودی معرفی شوند، اثرات مسائل ورود به خوابگاه در امور آموزشی‌مان کاهش پیدا می‌کند.
- تست‌ها و تحلیل‌های روان‌شناسی معتبر:** انجام تست‌های روان‌شناسی و شخصیت‌شناسی در بدو ورود به خوابگاه و اثر دادن آن در تعیین افراد هم‌اتاق

- زندگی جمعی می‌تواند مهارت‌هایمان را بالا ببرد. البته لطفاً از سر بازکنی نباشد؛ مثل جلسات عمومی اول سال که نفهمیدیم اختیاری بود، زوری بود، رایگان بود یا چه؟
- مشاور مقیم:** یک درخواست از مرکز مشاوره برای حضور مشاور یا مشاوران مقیم در خوابگاه تنظیم کنیم، طوری که نسبت به افراد شناخت پیدا کنند و بتوانند در هنگام برخورد با مشکلات راحت برای رفع آن راهکار بدهند. در ضمن با وجود چنین اشخاصی، شناخت افرادی که واقعا دچار مسائل خاص هستند امکان‌پذیر می‌شود و می‌توانند مانع هم‌اتاق شدن آنها با دانشجویان عادی شوند و از مشکلات بعدی جلوگیری خواهد شد.
- بهداشت جسمی و جنسیتی:** بانوان مشکلات خاص خود را دارند و نیاز به مراقبت‌های ویژه‌ای نیز دارند. مرکز بهداشت می‌تواند برای حضور مرتب

- دوره‌های مهارت زندگی به درد بخور:** بسیاری از مشکلات ما به ضعفمان در مهارت‌های نرم (softskills) برمی‌گردد. برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه دانشجویان خوابگاهی برای آموزش مدیریت شرایط زندگی و شناخت و حل مشکل و آموزش

از قدیم در ایران یک جامعه مذهبی زندگی کرده ولی حکومت دینی یک تجربه جدید است. حکومت‌هایی مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرده‌اند ولی در شئون حاکمیتی بعضا دین نقشی نداشته و حتی حکومت‌هایی علنا با مظاهر دین‌داری مبارزه کرده‌اند. سپس می‌رسیم به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و قرائت‌های جدیدی که از اسلام می‌شود. انقلاب اسلامی پیروز می‌شود و جامعه مذهبی تجربه زیست در حکومت دینی را به دست می‌آورد. این تجربه جدید در دین‌ورزی مردم جامعه چه تأثیری داشته است؟

من با یک مقدمه نسبتا طولانی شروع می‌کنم. مونتسکیو برای اولین بار مفهوم روح کلی یک جامعه را ابداع کرد. هگل این مفهوم را عمق بیشتری بخشید و به آن روح زمانه گفت. روح زمانه در واقع به‌مثابه رود خروشانی است که همه انسان‌ها و پدیده‌های اجتماعی را ناگزیر با خود همراه کرده و بی‌آنکه آنها اراده و اختیاری از خود داشته باشند، به مقصد خود می‌برد. این روح زمانه است که نحوه نگرش انسان‌ها به جهان و سبک زندگی و شئون فردی و اجتماعی و همچنین الگوهای دین‌داری را مشخص می‌کند. بر اساس این مفهوم جوامع به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ یک گروه که عمدتا جوامع غربی را شامل می‌شود، کاملا با روح زمانه خود همراه شده و به صورت منفعلانه در مقابل آن رفتار می‌کنند. مواجهه دیگر از نوع نفی است؛ مثلا در کشورهای بلوک شرق یا اعتقادی به روح زمانه وجود ندارد و یا همچون یک دشت هموار تصور می‌شود که در آن می‌توان به هر سمتی حرکت کرد و جامعه مطلوب را با استفاده از ابزار قدرت سیاسی ساخت. به نظر بنده سیاست‌گذاری دینی و فرهنگی بعد از انقلاب رویکرد دوم را انتخاب کرد. ما گمان کردیم می‌توانیم قبایی بدوزیم و بر تن انسان زمانه خود کنیم و برایمان اهمیتی نداشت که روح زمانه چه بر سر انسان زمان حاضر آورده است.

واقعا بر ایمان مهم نبود یا خیلی ساده‌اندیشانه و خوشبینانه به موضوع نگاه می‌کردیم؟

در واقع نگاه ساده‌اندیشانه‌ای داشتیم. فکر می‌کردیم با سیاست‌گذاری‌های مختلف می‌توان بر این روح زمانه غلبه کرد. در مقابل این رویکرد، جامعه ما به دو دسته تقسیم شد؛ یک دسته تصمیم گرفتند این قبا را به تن نکنند. در جهان سنتی و پیشامدرن نهاد‌های رسمی متولی دین قالب‌های مشخصی را برای الگوهای دین‌ورزی انتخاب و ترویج می‌کردند و این الگوها به سرعت از سوی جامعه پذیرفته می‌شد. اما روح زمانه جدید انسان‌های کنشگر و فعالی را ایجاد کرده که می‌خواستند نقش خود را در تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله دین‌ورزی ببینند و خودشان کنشگر باشند. سیر الگوهای دین‌داری این دسته قابل توجه است؛ به‌تدریج تا اواخر دهه ۷۰ الگوهای دین‌ورزی این افراد خصوصی می‌شود و قسمت اعظم خوانش حداکثری از دین را کنار گذاشته و قسمت محدودی را برای دین‌ورزی گزینش می‌کنند. از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد الگوی‌های دین‌ورزی در جامعه عوض شده و به سمت شخصی شدن پیش می‌رود. یعنی علاوه بر انتخاب‌نکردن خوانش حداکثری، مولفه‌های دین‌ورزی را بنا به ذائقه و آرمان‌های خودشان گزینش می‌کنند و ما شاهد کثرت عجیبی در بحث دین‌ورزی می‌شویم. طبق آخرین پیمایش‌ها اصل دین‌داری در کشور تعدیل نشده ولی به صورت قابل توجهی نوع دین‌داری‌ها

گفت‌وگو با محمد ضرغام درباره سیاست‌های فرهنگی و دینی در ایران

عیار اشیاء در انحصار مشخص نمی‌شود

در گفت‌وگوی قبلی محسن حسام‌مظاهری درباره تجربه زیست جامعه دینی ایران در حکومت و دولت دینی صحبت کرد و از چالش‌های دین‌داران در این تجربه گفت. این موضوع را از زاویه‌ای دیگر در گفت‌وگو با محمد ضرغام پیگیری کردیم. محمد ضرغام ورودی ۸۳ مهندسی نفت شریف بوده و بعد از پایان دوران کارشناسی به‌سراغ تحصیلات حوزوی می‌رود و در حال حاضر دروس خارج حوزه را می‌گذرانند و همزمان دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. ضرغام دعوت ما را پذیرفت و در یک صبح زمستانی در دفتر روزنامه با او به گفت‌وگو نشستیم که خلاصه آن را در زیر می‌خوانید.



منفعت و امتیاز رو به ظاهرسازی و ریا می‌آورند. **تبعات این تصمیم و سیاست‌گذاری فرهنگی از سوی حکومت چه بوده است؟**

این تصمیم و دیگری‌شدن گروهی از جامعه برای ما تبعات نسبتا سنگینی داشته است که مهم‌ترین آن شکاف بین ساختار و فضاست، یعنی بین ساختارها و نهاد‌های رسمی که می‌خواهند از بالا به پایین الگوهای مد نظر خود را به متن جامعه القا کنند و در فضا‌های عمومی شکاف ایجاد شده، چراکه این فضا‌ها می‌خواهند پویایی و کنشگری و خلاقیت خود را حفظ کنند. هر چه جلوتر آمدیم، این شکاف بیشتر شده و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هم امکانی جدید برای بروز فضا‌های عمومی ایجاد کرده و در نتیجه آنها را در مقابل ساختار قرار می‌دهد و شکاف را بیشتر نشان می‌دهد.

شما به فریه‌شدن مناسک و کمرنگ‌شدن آرمان‌خواهی در دین‌داران اشاره کردید. چیزی که مشاهده می‌کنیم این است که حکومت هم از این فربگی مناسک استقبال می‌کند. این پدیده را چطور می‌بینید؟

شکاف بین ساختار و فضا مسأله بسیار مهمی است. اداره کشور در شرایط حاضر بدون همراهی فضا‌های عمومی کار بسیار سختی است. به نظر من حکومت و سیاست‌گذاران فرهنگی از یک موضع منفعلانه برای کاهش این شکاف به فربگی مناسک تن دادند تا شاید بتوانند از این طریق فضا‌های عمومی را به خودشان نزدیک کنند. اما این تصمیم به قیمت رقیق و کم‌عمق‌شدن دین‌داری و تهی‌شدن فضای فرهنگی ماست. متأسفانه ذائقه فرهنگی جامعه ما به‌شدت افول کرده است.

سیاست‌گذاری‌های ما در مقابل روح زمانه جواب مطلوبی نگرفته و به آن جامعه آرمانی نرسیده‌ایم. در وضعیت فعلی باید چه کار کرد؟

انقلاب ما به هر حال یک انقلاب فرهنگی بوده و این را در شعارها، مطالبات و آرمان‌های آن می‌بینیم. در تحلیل وضعیت فعلی یک اشتباه اساسی صورت گرفته که طرفدار زیادی هم به‌خصوص در قشر روشنفکر دینی دارد، اینکه فکر می‌کنند اساسا تشکیل حکومت دینی

این تبعات را در پی دارد. این رویکرد که دولت موضع منفعلانه داشته باشد و امور فرهنگی و دینی کاملا به مردم واسپاری گردد، منطق محکمی ندارد، هر چند تصدی‌گری کامل دولت هم قابل نقد است. روح زمانه از جمله فراروندهایی هستند که اصلا نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این فراروندها قدرت قابل توجهی دارند و به صورت غیرملموس و ناخودآگاه تأثیرات عمیقی بر روح و روان و اندیشه انسان‌ها می‌گذارند. رویکرد درست این است که در مرحله اول با یک رویکرد توصیفی آن را درست بشناسیم، در این مرحله ما هنوز خیلی عقب هستیم. سیاست‌گذاران فرهنگی ما باید با فلاسفه و جامعه‌شناسان معرفت هماهنگی و همراهی و همدلی داشته باشند تا این موضوع را به خوبی بفهمند. در گام بعدی باید سعی کنند این روح زمانه را در استخدام خودشان درآورده و هدایت کنند. ما در ضمن حفظ آرمان‌هایمان باید در فرایندهای منطقی و واقع‌گرایانه و با برنامه‌ریزی‌های درازمدت این مراحل را طی کنیم. همچنین ساختارهای رسمی باید به فضا‌های عمومی جامعه نزدیک شوند تا درک متقابلی از فضا به‌دست آورند و بتوانند نسخه واقعی‌تری تجویز و از دیگری‌شدن قشر قابل توجهی از جامعه هم جلوگیری کنند. ما باید بپذیریم که بهترین و متعالی‌ترین انواع دین‌ورزی صرفا از مسیر گزینش و انتخاب می‌گذرد. آیه «فبشر عباد الذین يستمعون القول فیتنبعون احسنه» باید جزء راهبرهای اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی ما قرار گیرد. جامعه الگوهای تحمیلی و از بالا به پایین را پس می‌زند، اما اگر بسترهایی را فراهم کنیم که خوانش برتر از نوع دین‌داری در کنار سایر خوانش‌ها اجازه جولان داشته باشد و افراد با عقلانیت و اراده و اختیار خود انتخاب کنند، جامعه آن را می‌پذیرد. پیتربگر می‌گوید در گذشته انسان‌ها زیر سایه‌بان مقدسی زندگی می‌کردند که نیازهای معنوی و اخلاقی آنها را تأمین می‌کرد، اما با گسترش عقلانیت ابزاری و از بین رفتن این سایه‌بان مقدس انسان‌ها ابتدا فکر کردند همه نیاز‌ها را می‌توانند جواب دهند ولی الان احساس می‌کنند به‌شدت تنها شده‌اند. در واقع ما شاهد از جاع به دین و معنویت در سطح جامعه هستیم. این یک فرصت مهم برای سیاست‌گذاران فرهنگی است که ممکن است بعدا پیش نیاید تا هم نواقص گذشته رفع و ترمیم شده و هم به سمت جامعه اخلاقی ایده‌آل مان حرکت کنیم.

خوانش رسمی حکومت در فضای رقابت بین خوانش‌های مختلف می‌تواند موفق شود؟ یعنی اگر حمایت‌ها از آن برداشته‌شود، ضربه سنگینی نخواهد خورد؟

در بحث دین‌داری و فرهنگ ما ذخایر بسیار ارزشمندی داریم که البته بالقوه است. مثلا در دهه ۷۰ دکتر سروش یک بحث داغ معرفت‌شناسی را در ایران مطرح می‌کند و به‌شدت نظام حوزه و نظام دینی ایران را به چالش می‌کشد. تا قبل از آن نظام دینی ما یک کتاب معرفت‌شناسی جامع ندارد، ولی بعد از آن ما شاهد انتشار کتاب‌های بسیار ارزشمندی در یک بازه چندساله درباره معرفت‌شناسی هستیم. اگر آن چالش نبود، آن قوه به فعل در نمی‌آمد. در مقوله دین‌داری هم همین است و اطمینان داریم که ذخایر فرهنگی و دینی ما در رقابت برنده خواهد شد. البته باید در یک برنامه‌ریزی تدریجی و منطقی و عاقلانه فضای رقابت بین خوانش‌های مختلف را فراهم کنیم تا خوانش حق بتواند عیار خود را نشان دهد چرا که در فضای انحصار، عیار اشیاء مشخص نمی‌شود. کثرت در ذات زمانه جدید است و نادیده گرفتن آن مشکلی را رفع نمی‌کند.

از هر دری سخنی



Saeid Ghobadi

صد او سیما زیر نویس می کند که روز کارگر مبارک و دست کارگر را باید بوسید، وزارت کشور مجوز تجمع نمی دهد و نیروی انتظامی کارگران را بازداشت می کند



Seyyed Mohammad Hossein Ghasemi

نکته غم انگیز اجرای شهرام ناظری این بود که ملت قبل از اتمام شعر «زمستان» شروع کردن دست زدن؛ یعنی شعر به این مهمی تو ادبیات مون رونمی دونی آخرش چجوری تموم می شه!



گاز بزه خوج

ما پیش دانشگاهی مدرسه نمونه که بودیم رئیس آموزش پرورش فومن اومد برامون صحبت کنه گفت: مابه خاطر تحریم ها چند ساله نتونستیم معلم خوب بیاریم. خب مومن مگه قبل از تحریم معلم از آمریکا میاوردیم!!



Mandandang

سال کنکور چندبار رفته بودم پور دستمالچی حالا مردک حساب دستشه که فارغ التحصیل میشیم هی داره تکست تبلیغاتی میفرسته واسه اپلای و GRE و اینا (بیابین پیش ما :)))

از رنجی که می بریم

هاگوارتز گروهی از شریفی ها هستند که هنوز هویت خود را افاش نکرده و خود را مستقل معرفی می کنند. این گروه از سال گذشته کار خود را در شبکه های اجتماعی آغاز کردند و تابه حال سه ویدئو منتشر کرده اند. در هر ویدئو روی یک موضوع مهم در دانشگاه تمرکز می کنند و در آن مورد با افراد مختلف مصاحبه می کنند. در ویدئوی آخرشان که خیلی جنجالی شد، از دانشجوی ها پرسیده بودند که بزرگ ترین ایراد استادان چیست و از استادان هم همین سوال را در رابطه با دانشجوی ها پرسیده بودند. حالا که در اینجا از این ویدئو صحبت می کنیم خوب است به این نکته هم اشاره کنیم که در بسیاری از توییت های مرتبط با این موضوع از کلمه «اساتید» استفاده شده بود که غلط است. باشد که رعایت کنیم و رستگار شویم!



طاعون سیاه

اینو ببینید! آخرش یه استاد میاد میگه: خنگایی مثل شما هستن که باعث میشه این وضعیت رخ بده تو فکر کردی خیلی از من باهوش تری؟ از من بیشتر می فهمی؟ ...

به نظرم ایرادش این بود که این عزیزان اسم و تصویر اون استاد رو منتشر نکردن!



سعید نعیمی

شماره سوم کلیپ هاگوارتز خیلی خوب حرف دل دانشجوی ها رو میزنه.

اون بخشی هم که استاد عزیزی شروع می کنه به تحقیر مصاحبه کننده ها واقعا جای تامل و فکر داره!!!! دیدن این شماره شدیداً پیشنهاد میشه.

دکتر حسینی و آقای درویش رو دعوت میکنم ببینن این کلیپ رو.



Amirov

جالبی این فیلم اینه که این فیلم ۵ دقیقه هست و همه نظر میدن. ولی اون ۳۰ ثانیه ی آخر که یکی از اساتید گردو خاک به پا میکنه، حق مطلب ادا میشه:))



Aliakbar Abolhasani

خوب شد سوالشون رو جواب دادم!

همه مجرمند، حتی اگر خلافش ثابت شود

مدیرکل امور دانشجویان داخل: «رسیدگی و برخورد با تخلفات دانشجویان در فضای مجازی به اصلاحات آیین نامه انضباطی دانشجویان اضافه شد». این سخنان با واکنش های بسیاری مواجه شد. بیشتر نگرانی ها از این است که این قانون دستاویزی شود برای برخورد سلیقه ای با دانشجویان.



مهدی

حالا این قانون الان رسمی شده ولی من قبلاً دقیقاً به خاطر انتشار عکس نامناسب در کانال رفتم کمیته انضباطی. فکر نکنید اتفاق خیلی خاصی



سنگی پا

من ناراحتم واقعاً اینی براشون مهم نیست ما تو خونه مون میشینیم چیکار میکنیم که با دوربین کنترل مون نمیکنن؟ فضای مجازی که کفایت نمیکنه ^-^



حسین محب زاده

مدیرکل امور دانشجویان داخل، آقای نوذری: «انتشار عکس های غیر اخلاقی یا مرتکب شدن کار خلاف اخلاق در فضای مجازی همچنین انتشار تصاویر نامناسب در کانال های اطلاع رسانی، شامل برخورد های انضباطی با دانشجویان می شود»، نقض حریم خصوصی در فضای مجازی، اعمال سلیقه و پرونده سازی با پوشش قانون!



Amirali Rahbar

قرار شده کمیته انضباطی دانشگاه اجازه بررسی تخلف دانشجوی تو فضای مجازی رو داشته باشه یعنی از فردا جواب توییتا و عکس دوره می رو باید دانشجوی به کمیته انضباطی بده. یعنی محدود کردن میلیون ها جوان و گروکشی تحصیل برای موارد مورد علاقه کمیته انضباطی اعتراض واجبه آکه عزت نفس داشته باشیم



Alireza Esmaili

شاید باورش براتون سخت باشه... ولی به سری دارن از این ماجرا حمایت میکنن، یاد خوش بینانه ترین حالت مخالفت نمیکن...

دانشجو هم هستن!!! آدم دردش رو به کی بگه؟! خب برادر من، حرف زدن بلد نیستی، حرف نزدن هم بلد نیستی؟؟؟؟

متروی بهشتی تا متروی مصلی



Shahrzad Pakgozar

به نظرم فرهنگ خرید به شرط حراجی که در دانشگاه هست، اصلاً چیز جالبی نیست. فعلاً که بودجه ام میرسه میزان کتابی که میخوام بگیرم رو به صورت عادی بخرم، ترجیح می دهم از تخفیف دانشگاه استفاده نکنم. ضمن اینکه گذشتن تو دانشگاه اصلاً اون حس خوب گذشتن تو کتابفروشی رو هم نداره.



مجتبی

تو دانشگاه کتاب، به سری ناشر کتابای معروف و پرفروشون و اصلاً واسه دانشگاه نیارندن! حضور به سری کتابای مجوزدار هم بخشنامه طور توسط وزارت فرهنگ توی دانشگاه منع شده (مورد دوم هر سال اتفاق میفتاد)



Mortezaa Kiani

اتفاقاً تو دانشگاه قیمتا بالا ع چون معمولاً چاپ جدید همون کتابو با قیمت پایین تر چاپ سالای قبل میشه انقلاب خرید. مخصوصاً امسال که جهش قیمت داشتیم این مسأله مشهودتره



عمو الف

نمایشگاه کتاب رفتم امروز ولی خیلی جلوی خودمو گرفتم که کتاب نخرم...

یه چندتایی توی قفسه، کتاب نخونده دارم هنوز... نمیخواستم به جمعیت # کتابخرا اضافه بشم.



nima

بازار کتاب هر سال مزخرف تر از پارسال. از ناشرهایی که نزدیک نمایشگاه، کتاب ها رو تجدید چاپ میکنن که به قیمت بالاتر بفروشن، بگذریم؛ قیمت بالای کتاب در انتشارات جریان اصلی مثل چشمه، نی و نیلوفر نسبت به همون کتاب در انتشارات هایی مثل امیر کبیر، توجیه ناپذیر بود.

مردمان شریف

سردسته حسنی ها

تا قبل از سال کنکور خیلی درس نمی خوندم و بیشتر دنبال کارای فوق برنامه بودم؛ سفر، ورزش، کوه نوردی، کتاب خوانی، عکاسی. مدرسه سمپاد که بودیم سال کنکور با چندتا از بچه ها جمع شدیم و تصمیم گرفتیم درس بخونیم تا جای خوب قبول بشیم. خدا رو شکر هممون هم دانشگاه های تهران قبول شدیم. چون من خودم با مکانیک یه مقدار آشنا بودم و بابام هم مکانیک خونده بود، مکانیک رو انتخاب کردم و آگه هم باز برگردم به سال کنکور موقع انتخاب رشته باز هم مکانیک رو انتخاب می کنم، با اینکه خیلیا بهم می گفتن برو کامپیوتر اما من مکانیک رو خیلی دوست داشتم. شریف هم دانشگاه یک بود موقع انتخاب رشته، از اون بالا دانشگاه ها رو زدم به پایین، زیاد دلیل خاصی برای شریف نداشتم. خوبی شریف برای من این بود که با آدم هایی آشنا شدم که هر کدوم تو حوزه خودشون سرآمد هستن. سال اول ورودی بودم و کلاً بیشتر درس می خوندم. سال دوم قبل از شروع ترم سه تصمیم گرفتم برم دنبال کار کردن؛ می رفتم شرکت ها بعضاً به عنوان کارآموز یا هر چی دیگه کار می کردم، خیلی وقتا هیچ پولی نگرفتم ولی تجربه ش واقعا برام به درد بخور بود. شأن کار هم برام مهم نبود؛ از حمل و نقل و تمیز کردن تا طراحی و ساخت و

رضا علیپور



طرح پیشنهادی روزنامه شریف
برای اردوی ورودی‌های ۹۸

ورودی خود را به ما بسپارید



محمد حسین هوانی

مقدمه. همان‌طور که خاطرتان مستحضر است،

اردوی ورودی‌ها، رُکنِ رکن برنامه‌های دانشجویان جدیدالتحصیل دانشگاه صنعتی شریف است که در طول سالیان متوالی، مسبوق به سابقه است. این اردو هر ساله با استعانت از خداوند متعال و به منظور تحقق بخشی به آرمان‌های مجتهدی مرحوم و در سایه الطاف دکتر فتوحی برگزار می‌شود.

اهداف. برای این اردو اهداف پیش رو در نظر گرفته شده: ۱. توسعه طرز فکر شریفی و فرهنگ امیرکبیرستیزی ۲. ایجاد نشاط سالم و آزادی پاک ۳. مصرف نیمی از بودجه فرهنگی که به خدا حیف است به این گروه‌های دانشجویی بدهیم!

محل اردو. برای محل اردو، پس از پیش‌بینی‌های کارگروه بررسی محل اردو، بندر گواتر را به عنوان مقصد دانشجویان تازه‌وارد شریفی پیشنهاد می‌دهیم. نه قطار می‌رود، نه می‌توان با اتوبوس مستقیم رفت. به اندازه کافی برای به هدر زدن بودجه دور است و تا چشم کار می‌کند بیابان است. ملت می‌توانند تا دلشان می‌خواهد فریاد بزنند و رشته‌شان را توی سر یک‌دیگر بکوبند. باتوجه به دمای مزخرف هوا و تعریق فراوان، مسأله اختلاط خودبه‌خود حل می‌شود و اصلا میلی برای اختلاط وجود نخواهد داشت.

هزینه‌های اردو. حالا این هزینه‌ها را چه کسی داده و چه کسی کرده؟! خدا کمک می‌کند ان شاء الله.

سرگروه‌ها و کادر اجرایی. حالا که یک سفره‌ای پهن است، چرا خساست به خرج دهیم؟ چه بسا الان که فکر می‌کنیم، اصلا چرا نباید سال بالایی‌ها را اردو ببریم؟ فلذا طرح ۱+۵ را در اردوی امسال اجرا خواهیم کرد. به این شکل که به ازای هر ورودی، ۵ سال بالایی در اردو شرکت خواهند کرد که ورودی مذکور را «سال بالایی‌پوش» می‌کنند بلکه از برهم کنش بادیگروورودی‌ها در امان بمانند.

نقش گروه‌های دانشجویی در برگزاری. بر همگان واضح است که گروه‌های دانشجویی نقش مهمی در فضای دانشگاه دارند و ما به گروه‌های فعالی نیاز داریم. به این منظور، دو شورای ۱۰ و پنج نفره از گروه‌های دانشجویی تشکیل می‌شود که شورای ۱۰ نفره بر شورای پنج نفره نظارت می‌کند و شورای پنج نفره نیز وظیفه سیاست‌گذاری برای شورای ۱۰ نفره را برعهده دارد. بدیهی است این دو شورا هیچ اختیاری در اردو ندارند.

تقدیم می‌شود به ...

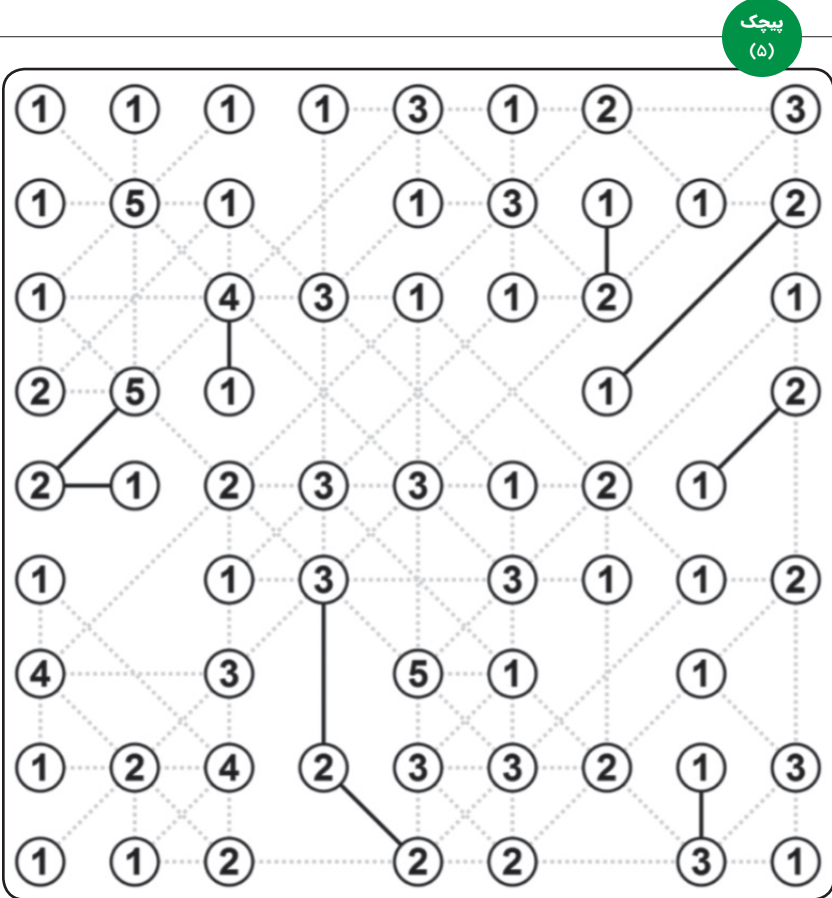
این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به «کجا بودی تا حالا؟»، به «الان چه وقت اومدنه؟» و به شماره پدر و مادر که در تاریکی شب روی تلفن همراه دختران خوابگاهی ظاهر می‌شود. تقدیم می‌شود به حریف تمرینی زندگی مشترک؛ هم‌اتاقی. تقدیم می‌شود به هم‌اتاقی‌ای که گاه از خواهر به تو نزدیک تر می‌شود و با هم کلامی، درد دل یا یک

مرکز آمار مان‌شان می‌دهد با حلول ماه رمضان فعالیت بدنی کم می‌شود و بچه‌ها به جای آنکه به سالن جباری بروند، به بازی‌های فکری و نشستنی روی می‌آورند. پیچکی که پیش رو دارید اولین پیچک از مرحله Medium است و قرار است از تمام پیچک‌های قبلی سخت‌تر باشد. باشد که شریفی‌ها فروتن شوند.

کوشا معاونی نژاد یکی از فارغ التحصیلان قدیمی شریف است که بیشتر برای تفریح پازل طراحی می‌کند. ما اسم آن را «پیچک» گذاشتیم. چرا؟ چون شاخه‌شاخه است و همه جای آن به هم وصل است.

قوانین این بازی ساده است. شما باید همه جزیره (دایره) ها را با استفاده از پل (خط)‌هایی که بین آنها رسم می‌کنید، به هم متصل نمایید. البته پل‌ها باید شرایط زیر را داشته باشند:

- پل‌ها نباید یکدیگر را قطع کنند.
- پل‌ها می‌توانند عمودی، افقی و یا ۴۵ درجه باشند.
- حداکثر یک پل می‌تواند دو جزیره را به هم متصل کند.
- تعداد پل‌هایی که به هر جزیره وصل می‌شود باید با شماره آن جزیره برابر باشد.
- اتصال جزیره‌ها از طریق پل‌ها باید یک گراف همبند تشکیل دهد.
- چند پل در شکل اولیه داده شده‌اند. شما باید بقیه پل‌ها را پیدا کنید.



استاد شریف ما ...

• **استاد شریف ما** امتحان میان‌ترمش را تستی گرفته و دلیلش این بوده که برای امتحان گرفتن از یک کلاس ۴۰ نفره وقت نداشته.

• **استاد شریف ما** چند دانشجویا را به دلیل اینکه جزوه نمی‌نوشتند از کلاس بیرون انداخته است.

• **استاد شریف ما** به دانشجویانی که در کلاس کناری منتظر بودند امتحانشان شروع شود، گفت: «این‌ور کلاسه. چرا در سطح هندیا عمل می‌کنید؟» دانشجوی شریف ما هم گفت: «استاد چرا نژادپرستانه عمل می‌کنید؟»

• **استاد شریف ما** تمام‌شدن زمان امتحان را اعلام نکرد. اما بعد از تمام‌شدن امتحان برای هر کسی که برگه‌اش را تحویل می‌داد، میزان تاخیر در تحویل برگه را هم یادداشت می‌کرد تا نمره کم کند.

• **دانشجوی شریف ما** سر کلاس داشت خودش را کش و قوس می‌داد. استاد گفت: «قبول داری کارت زشت بود؟ هر جایی شأن و آداب مخصوص خودش را دارد. مثلا اگر بروی خواستگاری همین کار را می‌کنی؟» دانشجوی گفت: «خب استاد الان خواستگاری نیامدم که!»

• **استاد شریف ما** برای یک مصاحبه وقت داده بود. وقتی در زمان تعیین شده مصاحبه‌کنندگان را دید که با دوربین فیلم‌برداری به دفترش رفته بودند، نظرش عوض شد و گفت: «من برای این کارها وقت ندارم. قبول کرده بودم که یک نفر بیاید و فقط با هم حرف بزیم نه اینکه از حرف‌هایم فیلم ضبط شود.»

• **استاد شریف ما** گفت جلسه بعد، اول کلاس حضور غیاب می‌کند و اگر کسی بعد از حضور غیاب بیاید غیبت می‌خورد. جلسه بعد خود استاد ۱۵ دقیقه تاخیر داشت و ۱۵ دقیقه هم داشت مطالبی که قرار است درس بدهد را پای تخته می‌نوشت.

پیامک

۰۹۱۹۰۰۰۰۷۲۴: سلام

لطفاً از همین تریبون به آقایون دانشجو بفرمائید توی سالن مطالعه خانوما سرک نکشن خیلی کار زشتیه!!

اگر با خانومی کار دارن خب با موبایلش تماس بگیرن اگر شمارشو ندارن مشکل خودشونه

مرسی اه

۰۹۱۹۰۰۰۰۷۲۴: سلام. اینجوری که ایشون مصممه به

نظرم حتی اگر جلوش رو هم بگیریم، با رویش ناگزیر جوانه‌هاش نمی‌تونیم کاری بکنیم!

۰۹۱۳۰۰۰۰۰۸۹۳: سلام.

این يك انتقاد نیست. يك توجه است. مي‌خوام از آقایان مسجدي بیرسم: وقتي در بلندگو دارید برنامه‌هاي عصرانه‌تون را برگزار مي‌کنید، آیا دقت مي‌کنید در قسمت خانم‌ها چطور شنیده میشه؟ اینکه تعدادتون چندتااست و دارید از بلندگو استفاده مي‌کنید نکته

نیست، نکته توجه ه.

۰۹۱۳۰۰۰۰۰۸۹۳: سلام. به نظرم آقایون از این ماجرای زکات علم به چیزی شنیدن فقط! شما جدی نگیر.

۰۹۱۳۰۰۰۰۰۹۱۱: اوضاع اقتصاد ما کپی لیگ قهرمانان هست، کاملاً پیش‌بینی‌ناپذیر. امیدوارم فقط آخرش ما باشیم که کامبک می‌زنیم

۰۹۱۳۰۰۰۰۰۹۱۱: بین اگر اقتصادمون لیگ قهرمانان باشه، ما همونایی هستیم که حتی سهمیه حضور هم نگرفتیم!